

شهرنامه‌های استان گلستان / ۹

کلاه

تاریخ، سرزمین، فرهنگ

تألیف:

اشکان فروتن

با همکاری:

شهناز بیگی بروجنی

نشر رسانش - ۱۳۹۰

سرشناسه : فروتن، اشکان، ۱۳۴۶ -
 عنوان و نام پدیدآور : کلاله: تاریخ، سرزمین، فرهنگ / تألیف اشکان فروتن، با همکاری شهناز بیگی
 بروجنی؛ به سفارش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان.
 مشخصات نشر : تهران: رسانش، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۴۱۶ ص. : مصور، جدول، نمودار.
 فروست : شهرنامه‌های استان گلستان؛ [ج. ۹].
 شابک : 978-600-5011-48-7 : دوره؛ 978-600-5011-39-5 : ۹۵۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 یادداشت : کتاب‌نامه.
 یادداشت : نمایه.
 موضوع : شهرها و شهرستان‌ها -- ایران -- گلستان
 موضوع : کلاله
 شناسه افزوده : بیگی بروجنی، شهناز، ۱۳۵۰ -
 شناسه افزوده : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان
 شناسه افزوده : شهرنامه‌های استان گلستان؛ [ج. ۹].
 رده‌بندی کنگره : ۱۴۹۰ ج ۹ : ۴۵ ف ۹ الف / ۱۴۷ HT
 رده‌بندی دیویی : ۳۰۷/۷۶۰۹۵۵۱۱۲۸ :
 شماره کتاب‌شناسی ملی : ۲۴۵۳۹۲۲



تهران: بهار شمالی، شکیبا، شیرازی. پلاک ۷، واحد ۲.
 تلفن: ۰۹۱۲ ۱۳۰ ۹۱ ۳۱ : تلفکس: ۷۷۵۳۰۵۳۶ rasanesh.pub@gmail.com

کلاله (تاریخ، سرزمین، فرهنگ)

اشکان فروتن

با همکاری: شهناز بیگی بروجنی

طرح جلد و صفحه‌آرایی: علیرضا علی‌نژاد

ناشر: رسانش

لینوگرافی: فیلم گرافیک

چاپ: متین

صحافی: ولیعصر

چاپ اول: ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

این کتاب به سفارش و سرمایه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان تألیف و انتشار یافته است.

قیمت ۹۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	پیش گفتار
۱۷	محتوای هر کتاب
۲۹	سیاسنگزاری
	بخش اول: تاریخ
۳۵	فصل اول: وجه تسمیه
۴۵	فصل دوم: کلاله در روزگار باستان
۷۰	فصل سوم: کلاله در دوران اسلامی
۸۸	فصل چهارم: آثار باستانی و تاریخی
	بخش دوم: سرزمین
۱۴۷	فصل اول: جغرافیای طبیعی
۱۸۰	فصل دوم: جغرافیای انسانی
۲۰۳	فصل سوم: جغرافیای اقتصادی
۲۱۵	فصل چهارم: جغرافیای سیاسی
۲۲۳	فصل پنجم: دانشنامه آبادی‌ها
	بخش سوم: فرهنگ
۳۰۵	فصل اول: فرهنگ عمومی
۳۱۵	فصل دوم: فرهنگ و آموزش
۳۳۴	فصل سوم: مشاهیر فرهنگ و هنر
۳۵۷	سرچشمه‌ها
۴۰۳	نمایه‌ها

سازمان‌دهی طرح دانشنامه شهرستان‌های استان گلستان
(شهرنامه‌های علمی، فرهنگی هنری)

مدیریت عالی: هسته پژوهشی «مرکز مطالعات تاریخ ایران زمین» (ممتاز)

مجری طرح: اشکان فروتن

قائم مقام طرح: شهناز بیگی بروجنی

مدیران گروه‌های تخصصی: دکتر زکریا رستگار - فریبا احمدی - دکتر

ارمیا نخعی - دکتر محمود فرزانه

مشاوران عالی: حبیب‌الاسلام محمدعلی اسکندری - دکتر حبیب‌الله

عظیمی - دکتر جمشید صداقت کیش

مدیر روابط عمومی و رسانه: خدیجه جلالی عزیزیان

دبیرخانه عالی مدیریت اجرایی و نظارت: قدرت داشمی - مرتضی

مارزلو

ناظر عالی: دکتر غلامرضا منتظری

گروه ناظران: صفرعلی اخلی (معاون مالی اداری)؛ ابوالحسن امامی

(معاون هنری)؛ حسین ثبوتی (معاون فرهنگی و مطبوعاتی)؛ حسین

قلندری؛ ابوالفضل نجف‌زاده

مدیر اجرایی طرح: محسن علی‌نژاد قمی

امور گرافیک: علیرضا علی‌نژاد

مشاور امور گرافیکی: مریم شعبان

گروه نمایه‌سازی (اعلام): نیلوفر بهنام، نازنین بهنام، سکینه درزی‌تبار

شفیعی، شهرام قلی‌پور گودرزی

پیش‌گفتار

شهرنامه‌نویسی

تاریخ‌های محلی یا شهرنامه‌ها، حافظه تاریخی شهرها محسوب می‌گردند. آگاهی‌های موجود در شهرنامه‌ها، اغلب منحصر و معطوف به یک منطقه و محل جغرافیایی هستند.

به همین جهت، در مقایسه با تاریخ‌های عمومی، به طور عمده حاوی اطلاعات دقیق و گاه تفصیلی از شهر و دیاری خاص هستند.

به همین جهت است که می‌توان خیمه تاریخ عمومی یک کشور را بر فراز تاریخ‌های عمومی آن برافراشت. به عبارت دیگر، تاریخ عمومی یک کشور در حکم جدول مقاطعی است که خانه‌های آن را شهرنامه‌ها می‌سازند.

شهرنامه‌ها، امتیازات ویژه‌ای دارند، چرا که حاوی جزئیات بوده و پر از مواد کمیاب و نادرند و مملو از اطلاعات ذی‌قیمتی درباره سلسله‌های محلی و زندگی‌نامه‌های بزرگان و احوال اجتماعی هستند.

در یک نگاه، تاریخ نگاری محلی به ثبت و ضبط وقایع تاریخی در محدوده یک مکان جغرافیایی (شهر، ایالت، ناحیه) می‌پردازد. دکتر یعقوب آژند (ی. میاندوآبی) در این باره می‌گوید:

«از نحله‌های دیگر تاریخ‌نگاری در ایران، تاریخ‌نگاری محلی بود که به خصوص در پیش از دوره صفویان و نیز در دوره قاجار از اعتنای ویژه مورخان برخوردار شد.

این نوع تاریخ‌نگاری، از حس شهر وطنی و تفاخر بومی مایه می‌گرفت و شیوه زندگانی شهری را در دل تاریخ به تصویر می‌کشید. مشوق اصلی پدیداری تاریخ‌نگاری محلی، سلسله‌های محلی و حکمرانان آنها بوده است.

گردآوری اطلاعات در باب شهرها و ایالات مختلف از برای حکومت مرکزی نیز، به خصوص در کیفیت وضع مالیات‌ها و طرز وصول آنها، اهمیتی درخور داشته است.

در تاریخ‌نگاری محلی ایران هم نوعی تداوم نهفته بوده و ذیل نویسی از ویژگیهای آن برشمرده می‌شده است.

نویسندگان در ادوار مختلف، سوانح احوال حکمرانان و سلسله‌های محلی را به اقتضای زمان بدان می‌افزودند.

از آن جا که تفاخر محلی و بومی عامل مهمی در ظهور و رشد این نوع تاریخ‌نگاری بوده، از این رو در آن وجود افسانه‌ها و روایت‌های گزافه از برای بزرگنمایی یک شهر و یا منطقه اندک نیست.

تاریخ‌نگاری محلی نوعی شهرشناسی در دل تاریخ است که اطلاعات جامع و همه جانبه درباره کیفیت و چگونگی به وجود آمدن شهرها، اعیان و اصول و نام‌آوران علم و ادب و هنر آنها، بناها و عمارات و مزارات و خصوصیات جغرافیایی و حتی اقتصادی و اجتماعی دارد.

در بعضی از تواریخ محلی اطلاعاتی آمده که در تواریخ دیگر نمی‌توان سراغ گرفت.^۱

بدون شک، وجه اصلی و مشخصه شهرنامه‌ها، پیوند آن با یک عرصه جغرافیایی محدود و مشخص است. عناصر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و یا اقتصادی در تعیین و تشخیص آن دارای تقدم نیستند و همگی مؤخر بر عامل جغرافیایی واقع می‌شوند.

تاریخ محلی به عنوان جزئی از تاریخ ملی، اساساً به مانند امر جزئی، معنا، مفهوم و موفقیت خود را از امر کلی می‌گیرد.

شهرنامه‌ها یا تاریخ‌های محلی عموماً متفرّدند و به طور خاص به یک محل یا یک خاندان محلی می‌پردازند؛ مانند:

۱. تاریخ نیشابور، نوشته حاکم نیشابوری
۲. تاریخ بیهق، نوشته ابوالحسن بیهقی ابن فندق
۳. روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، نوشته معین‌الدین اسفزاری

۴. فضایل بلخ، نوشته صفی‌الدین ابوبکر عبدالله
۵. بدیع الزمان فی وقایع کرمان، افضل کرمانی
۶. تاریخ یزد جعفری، نوشته جعفر بن محمد جعفری
۷. آثار المعجم، نوشته فرصت‌الدوله شیرازی
۸. فارس نامه ناصری، میرزا حسن فسایی
۹. تاریخ کرمان، نوشته احمد علی خان وزیری
۱۰. نصف جهان فی تاریخ اصفهان، نوشته محمد مهدی بن

محمد رضا

۱۱. مرآة الفاسان، نوشته عبدالرحیم کاشانی

۱۲. تاریخ قم، نوشته صاحب بن عباد

۱۳. تاریخ طبرستان، نوشته ابن اسفندیار

۱۴. تذکره شوشتریه، نوشته باقر حسینی شوشتری

۱۵. تاریخ گیلان، نوشته عبدالفتاح مؤمنی

شهرنامه‌ها، معمولاً به تاریخ و جغرافیای محلی، انساب، علم حدیث، مزارات و امور وقفی، دیوانی و ایل شناسی نیز می‌پردازد.

برخی معتقدند که یکی از راههای مهم بیان توانایی‌ها و آگاهی‌های گروهی، پرداختن به شهرنامه نویسی و تاریخ نگاری محلی می‌باشد، که همیشه و در همه ادوار تاریخی مورد نظر مورخان بوده است.

همه مردمی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند، ارتباط قوی و مستحکمی را که میان انسان و زادگاهش موجود می‌باشد، درک کرده و در صدد بیان آن به شیوه‌های گوناگون می‌باشند.

عموماً شهرنامه یا تاریخ محلی را فردی می‌نگارد که در آن محل متولد شده یا در آن جا زندگی کرده باشد. اولین عامل اصلی تمایل به تاریخ محلی نویسی، وطن دوستی و احساسات ناسیونالیستی است.

ذکر فضیلت شهر یا منطقه در تاریخ‌های محلی، به دلیل شناساندن موقعیت منطقه‌ای، سیاسی، فرهنگی و تاریخی آمده و در عمل نمادی از احساس نیاز به ارزشمندی زاد و بوم و بزرگداشت آن شهر از سوی نویسنده بوده است.

توجه به ریشه تاریخی شهرها، از دیگر شاخص‌های تاریخ نگاری محلی است. در این خصوص، نوعی تمایل به سمت ایران باستان و یافتن

هویت تاریخی برای منطقه مورد بررسی در نوشته‌های این کتاب‌ها دیده شده و در اصل نشان دهنده تلاش نویسندگان برای نشان دادن قدمت تاریخی بنای شهرها است.

علاوه بر این، داستان‌های بسیاری از شاهان اسطوره‌ای ایران، نظیر «کیانیان» و «پیشدادیان» در تاریخ‌های محلی دیده می‌شود، که معمولاً ریشه در خدای نامه‌ها و شاهنامه‌ها داشته‌اند.

این تلاش‌ها بیشتر در قالب هویت بومی جای گرفته است، تا هویت ملی؛ زیرا اولاً مورخ تاریخ محلی فقط درصدد است منطقه خود را بشناساند؛ ثانیاً تاریخ باستانی منطقه را با دوره اسلامی پیوند زده است. شهرنامه‌ها، توجه ویژه‌ای به زندگی و اجتماع همه طبقات اجتماعی به خصوص طبقات و گروه‌های پایین جامعه و مردم عادی دارند، کاری که از گونه‌های دیگر تاریخ نگاری کمتر برمی‌آید.

عده‌ای نیز بر این باورند که تاریخ‌های محلی، واکنشی علیه تمرکزگرایی سلسله‌های بزرگ بوده است و الگیزه اصلی مورخانی که به تاریخ‌های محلی می‌پرداختند، کسب افتخار برای منطقه خود و اعتقاد به این بود که رویدادهای سرزمین‌شان، شایسته ضبط در تاریخ است.

تاریخ‌های محلی، بیش از تاریخ‌های عمومی به بررسی شخصیت‌ها و تشکیلات اداری و اجتماعی می‌پردازد. تقریباً همه تواریخ محلی با توصیف جغرافیای منطقه و تأثیر آن بر تاریخ منطقه ادامه می‌یابد. در بیشتر این آثار، به رویدادهای مهمی که به بنیان شهر یا شهرهای منطقه انجامیده، پرداخته شده است.

مورخان محلی به سبب آشنایی با سنت محلی، با کسانی که درباره آنان می‌نویسند، احساس نزدیکی دارند و نگرش آنان به واقعیات اجتماعی با رویکرد طبقه حاکم تفاوت دارد.

تاریخ‌های محلی، در حیطه مطالعات میان رشته‌ای قرار داشته و از یافته‌های جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، زمین‌شناسی، جغرافیا، ادبیات، آمار، تراجم و مانند آن بهره می‌گیرند.

مهم‌ترین منابع شهرنامه‌ها و تاریخ‌های محلی در شهرها، در مرحله نخست مردم هستند و در مرحله بعد، محیط فیزیکی و ساختار طبیعی و مصنوعی ساخت انسان و در مرحله آخر مؤسسات و نهادهای انسانی که در یک شهر رشد می‌کنند.

شهرنامه‌های استان گلستان

۱. در دهه هفتاد، اشتیاق ایجاد نگارش شهرنامه‌ها در قالب نهادها یا سازمان‌های دولتی و نیمه دولتی، به شکل مراکز استان‌شناسی تحقق یافت و «مرکز کرمان‌شناسی»، به عنوان پیشگام و مؤسس این ابتکار، زمام کار را به دست گرفت و دهها کتاب «شهرنامه» درباره شهرهای استان کرمان به زیور طبع آراسته گشت.

نیک اندیشانی چون دکتر محمدعلی گلاب زاده و تیم کارشناس و مبتکر او، قفسه‌های کتابخانه‌ها را از کتاب‌های ارزشمند شهرنامه‌های کرمان، سیرجان، ماهان، چترود، شهر بابک، کهنوج، جیرفت، زرنند، کوهبنان، قلعه گنج، راور و مانند آن انباشتند و حافظه تاریخی و جغرافیایی ایران‌شناسی را به داده‌های شگرف خویش آراستند.

دیگر استان‌ها نیز بیکار ننشستند و «خراسان‌شناسی»، «یزدشناسی»، «اصفهان‌شناسی» و «فارس‌شناسی» نیز به راه افتاد و علی‌رغم کاستی‌ها و تنگ نظری‌ها، بر حجم و محتوای تاریخ‌های محلی ایران افزودند.

۲. طرح شهرنامه‌های استان گلستان از سوی نگارنده در آذر ماه ۱۳۸۷ به شورای فرهنگ عمومی استان گلستان ارائه گردید و منجر به عقد قرارداد در تاریخ ۱۳ اردی‌بهشت ماه ۱۳۸۸ با کارفرمای طرح گردید.

پیگیری‌های مجدانه دکتر غلامرضا منتظری، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان در تصویب این طرح الگوی ملی بسیار مؤثر بود.

۳. هنگامی که انجام طرح پژوهش و نگارش کتابخانه‌ای - میدانی «شهرنامه‌های استان گلستان» را برعهده گرفتم، می‌دانستم که «انتخاب» شده‌ام تا با خلق چند اثر کوچک و کم حجم، از «آفرینش» این استان سرسبز و رؤیایی و مردم مهربان و سختکوش و تاریخ سازش تشکر کنم و بخش اندکی از آن چه را که می‌توان داشته‌ها و شایستگی‌های مردم این سامان دانست، به رشته تحریر درآورم.

۴. تحقیق درباره استان گلستان، کار آسانی است. مانند همه کارهایی که یک واحد جغرافیای بزرگ را شامل می‌گردد، با موانع و مشکلات بسیار اندک و محدودی روبرو شدم، که در کوتاه‌ترین زمان ممکن رفع می‌شد و به یاری تلاش و تجربه، راه خویش را به سوی موفقیت هدفمند و زمان بندی شده و نظام‌مند و اصولی به پیش می‌بردم.

۵. بنای من در این پژوهش، بر چند قاعده استوار می‌باشد:

۵-۱ انتشار حداکثری داده‌های اطلاعاتی مورد نیاز: آمار و اطلاعات

منتشره توسط دستگاه‌های دولتی، به صورت مکتوب یا رسانه‌ای (اینترنتی)، توهم محرمانه‌سازی را بی‌اثر نموده و اهتمام بر اصل اطلاع‌رسانی عمومی به شیوه «معقول» و «مناسب» در سرلوحه تحقیقات ما قرار داشته است.

محرّم ندانستن مردم عزیز و قدرشناس، به بهانه‌های واهی برگرفته از اذهان مسموم و رشد نیافته و تخیل بافی تأثیر منفی «آگاهی» مردم از وضعیت موجود، حتی یک لحظه هم به مخیله پژوهشگران طرح، خطور نکرده است.

۵-۲ نگاه شهرستانی: این کتابچه‌ها، بر اساس نگاه شهرستانی تنظیم شده است، نه مبنای قرار دادن مرکز هر شهرستان.

در برخی از شهرستان‌ها، مرکز شهرستان از سابقه و موقعیت تاریخی و جغرافیایی خاصی برخوردار نیستند و پرداختن به شایستگی‌های توابع آن شهرستان، ظلم به تاریخ و فرهنگ آن منطقه محسوب می‌گردد.

تقسیم متن و محتوای کتاب‌ها به گونه‌ای بوده که محور نوشتار بر هویت «شهرستانی» باشد، یعنی اگر گفته می‌شود شهرستان ۷۰۰۰ ساله فلان، هیچ‌گاه منظور من قدمت ۷۰۰۰ ساله مرکز آن شهرستان نیست.

۵-۳ زاویه دید عام: مخاطب این آثار «عموم» مردم هستند، با پرهیز از «ساده نویسی»، مستند و واقعی بودن نوشته، یکی از بدیهی‌ترین اصول رعایت شده در این پژوهش است.

سعی و اهتمام من بر این بوده که به تبلیغ و ترویج افسانه‌ها و «خرافات» پردازیم، در عین حال که به ارزش‌های «حسنة» سنتی مردم نیز احترام بگذاریم.

۴-۵ اجتناب از تلخ‌نویسی: هدف غایی این پژوهش، تدوین شناخت‌نامه شهرستان‌های استان گلستان است و نه «مصیبت‌نامه» یا «رنج‌نامه» نویسی.

روستاها «محروم» اند و شهرها «توسعه نیافته». بسیاری از مردم، از فقر و بیکاری و بیماری و اعتیاد و تبعیض رنج می‌برند. دردهایی که روزی با پشتکار همین مردم «درمان» خواهد شد.

این طرح، هرگز به سمت «عیب‌یابی» وضعیت موجود، ارائه راه حل و درمان نواقص و بیان نیازهای هر بخش از جامعه، قدم برنداشته است. این کتاب‌ها، شناخت‌نامه یا به عبارت دقیق‌تر شناسنامه فرهنگی هر شهرستان است، که به مردم ایران و جهان معرفی می‌گردد.

در هیچ موردی، نه راه «خلو» را پیموده‌ایم و نه به بیراهه «تملق» افتاده‌ایم. به مدح و ثنای هیچ مدیری اهتمام نداشته‌ایم و کوچه دلدادگی ما به مردم «گل» اندیش استان «گلستان»، از ثبت قله‌های بلند و سترگ داشته‌ها و شایستگی‌های آنان است و بس.

۵-۵ اجمال نویسی: زبان نگارش «پژوهشی» و «بدون تکلف» است، بر مبنای «اجمال» و «جامع» نویسی.

در این ۱۸ جلد، بر بخشی از تاریخ و فرهنگ این استان، که «تاریک» و در «غبار» مانده است، نور افکنده شده است. و صد البته، خانه چراغانی شده، تنها به مدد فکر و همت فرزندانش هویت و معنا یافته است.

۶. وجود منابع مکتوب قابل قبول، آمارها و اطلاعات دقیق و دسته‌بندی شده، اسناد تاریخی متقن در کتابخانه‌های مهم کشور و نویسندگان و مؤلفان و اشخاص مطلع و اهل قلمی کارآزموده و دلسوز،

مهم‌ترین امتیاز این استان، برای پژوهش‌های علمی و آکادمیک محسوب می‌گردد.

۷. حاصل ۸۳۹ شبانه روز پژوهش (۴۷٪ کتابخانه‌ای، ۲۲٪ اینترنتی، ۳۱٪ میدانی)، فراروی دیدگان شماسست. این کتاب‌ها، سرآغاز پژوهش‌های عمیق و درخور شایستگی‌های استان گلستان، در فردها و پس فردهاست.

شنبه، ۱۸ تیر ماه ۱۳۹۰

اصفهان. اشکان فروتن

www.ketab.ir